

فصلنامه مطالعات فرهنگی - دفاعی زنان

سال چهارم، شماره ۱۲، بهار ۱۳۸۷

نقش زنان در ارتقای سرمایه اجتماعی

دکتر افشار نادری*

چکیده

سرمایه اجتماعی یکی از شکل‌های سرمایه است و شامل شبکه‌ها و فرصت‌هایی است برای بسیج منابع با هدف حل کردن بسیاری از مشکلات سیاسی و اجتماعی که حاصل عملکرد اجتماعی است. به‌طور کلی سرمایه اجتماعی، بده بستان اجتماعی است. کارکردهای سرمایه اجتماعی، افزایش تولید در سطح ملی، کارکرد بهتر بازار، تقویت هنجارهای مطلوب اجتماعی و کاهش جرایم، کارایی نهادهای دولتی و موفقیت در یادگیری و سلامت فردی است.

یک گروه از مهمترین منابع سرمایه اجتماعی زنان هستند که همیشه عامل بده‌بستان اجتماعی و مهم‌ترین منابع تبادل اجتماعی در تاریخ به حساب می‌آیند. لذا ساختمان کردن نهادی حقوق آنها در ارتقای سرمایه اجتماعی ضروری تلقی می‌شود. در این مقاله سعی شده است، سرمایه اجتماعی مورد تحلیل قرار گیرد، چگونگی موقعیت زنان در جامعه و نقش تعیین‌کننده آنان در هویت جمعی بررسی و سپس الگوی نظری تأثیر شرکت زنان در افزایش سرمایه اجتماعی ارایه شود.

کلید واژگان:

سرمایه اجتماعی، زنان، نقش‌های چندگانه، مشارکت اجتماعی، توسعه اجتماعی

* دکترای مدیریت فرهنگی از واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی و مدرس واحد رودهن دانشگاه آزاد

مقدمه

در هر جامعه علاوه بر سرمایه‌های مالی، فیزیکی، فرهنگی و انسانی با سرمایه اجتماعی نیز روبرو هستیم که در ارتباط متقابل با دیگر سرمایه‌هاست. منظور از سرمایه اجتماعی شبکه‌ای از بده‌بستان‌های مبتنی بر اعتماد فردی و گروهی انسان‌ها، سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی است. در صورتی که جامعه‌ای بتواند انواع سرمایه‌ها را به سرمایه‌های مالی و اقتصادی تبدیل کند، به ثروت اجتماعی دست یافته است.

مشارکت اجتماعی زنان و مردان در طول تاریخ تحت تأثیر شرایط و عوامل ذهنی و عینی عدیده‌ای در سطح خرد، میانی و کلان کم و کیف متفاوتی پیدا کرده است. این تفاوت جنبه جنسیتی هم بخود گرفته، به طوری که زنان در اغلب دوره‌های تاریخی صرف‌نظر از اینکه متعلق به چه قوم، قشر یا گروهی بوده‌اند در سلسله مراتب ساختار اجتماعی در مقایسه با مردان موقعیت پایین‌تری داشته‌اند. این نابرابری آثار منفی بر حیات اجتماعی زنان و سرمایه‌های اجتماعی داشته است.

علی‌رغم رشد فعالیت مدنی و مساعد بودن شرایط جهانی، پدیده مشارکت مدنی و رشد نهادهای غیر وابسته به دولت در جوامع در حال گذار امروزی، در نخستین مراحل سیر تکوینی خود به سر می‌برد. در این جوامع به صورت سستی دولت‌ها و ایدئولوژی‌های غالب، مشارکت مدنی مردم به‌ویژه زنان و نهادهای مدنی را سرکوب کرده و سازمان‌های غیروابسته به دولت را رقیب یا جایگزین خود تلقی می‌کنند. این امر مانع شکل‌گیری یک الگوی منسجم مبتنی بر تعامل و همکاری متقابل در جامعه است. آنومی حاصل از این امر، عوارضی چون بلا تکلیفی، سرخوردگی، نارضایتی، واپس‌گرایی، خشونت و انواع آسیب‌های اجتماعی را به همراه خواهد داشت. در چنین شرایطی نه دولت‌ها جدا از مردم، توان تحقق اهداف توسعه را دارند و نه به مردم فرصت داده می‌شود تا در فرایند توسعه جامعه خویش مشارکت فعال و مؤثری داشته باشند.

تحلیل مشارکت مدنی مردم به ویژه زنان که نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند و در جامعه‌پذیری، آموزش و پرورش فرزندان (چه پسر و چه دختر) نقش تعیین‌کننده دارند، می‌تواند در نهادمندی مشارکت مردم به منظور مدیریت مسالمت‌آمیز تضادها و سازمان‌دهی نظم و توسعه همه جانبه و پایدار، از ضرورت و اهمیت علمی و اجتماعی قابل توجهی برخوردار باشد.

جدول ۱- تعریف، ویژگی و واحد شمول سرمایه اجتماعی

واحد شمول	ویژگی سرمایه اجتماعی	تعریف سرمایه اجتماعی	
افراد و گروه‌ها بدون در نظر گرفتن جنسیت	حفظ نظم اجتماعی	حوزه تعاملات اجتماعی که منجر به رشد و شکوفایی احساسات، عواطف و تولید تعهد، وفاداری و مسئولیت‌پذیری می‌شود. (پارسونز، ۱۹۶۶)	تالکوت پارسونز
شاخص و عامل انتظام و حیات اجتماعی	شاخص و عامل انتظام و حیات اجتماعی	وفاق و کنش ارتباطی و هنجارهای عام فراگروهی که محصول جهان حیاتی و حوزه عمومی است. (یورگن هابرماس، ۱۹۷۰)	یورگن هابرماس
افراد بدون وابستگی اقتصاد سیاسی، ایدئولوژی به خاطر عشق و دوستی متقابل و به دور از هر گونه نابرابری و تبعیض جنسیتی. (گیدنز، ۱۹۹۲)	پایه اصلی حیات اجتماعی	شبکه روابط، تعهد و اعتماد اجتماعی در جوامع سستی محدود و درون گروهی و جوامع مدرن وسیع و تعمیم یافته. (گیدنز، ۱۹۹۸)	آنتونی گیدنز

ادامه جدول ۱

واحد شمول	ویژگی سرمایه اجتماعی	تعریف سرمایه اجتماعی	
همه کنشگران اجتماعی بدون در نظر داشتن جنسیت	حفظ سرمایه اقتصادی (بعثت قابل تبدیل بودن سرمایه‌ها)	شبکه نسبتاً با دوامی از روابط نهادینه شده توأم با شناخت تعهدات از جمله اعتماد متقابل می‌داند که بعنوان منابعی بالفعل و بالقوه موجبات لازم برای تسهیل کنش‌های فردی و جمعی کنشگران را فراهم می‌کند. (بوردیو، ۱۹۸۶، ۲۸۴)	بی بی بوردیو
افراد در خانواده‌ها، شبکه‌ها و اجتماع	ارتباط مؤثر- تبادل اطلاعات- سلطه ایدئولوژی- هنجارمندی	کنشگر با عضویت در گروه و تعامل با سایر کنشگران با رعایت اصول و قواعد مورد پذیرش در آن گروه و جلب اعتماد دیگران به اطلاعات مورد نیاز دست می‌یابد و در فرایند کنش از حمایت جمعی برخوردار می‌شود. (کولمن، ۱۹۹۰)	جیمز کلن
شبکه‌های جهانی	حفظ ارتباط شبکه‌های جهانی	حضور در شبکه جهانی و پویایی هر شبکه در برابر شبکه دیگر. (کاستلز، ۱۹۸۰: ۵۴۳)	مانویل کاستلز
افراد شبکه‌های درونی و اتحاد بین آنها	حفظ هنجارهای معامله متقابل	ارتباط میان همسویی کنش‌ها در ارتقای کارایی سازمان و توسعه اقتصادی. (پاتنام: ۱۳۸۴، ۲۸۵)	رابرت پاتنام
نهادهای مدنی و ارتباط بین آنها (رسمی و غیررسمی)	شاخص رشد و توسعه اقتصادی	تسهیل کننده همکاری و مشارکت گروهی برای تحقق اهداف و منابع فردی و جمعی و کمک به توسعه اقتصادی. (فوکویاما، ۱۳۸۴)	فرانسیس فوکویاما
همه افراد در سطح جهان	توسعه اقتصادی- صلح و امنیت جهانی	یکی از عوامل کارایی و توسعه اقتصادی نظم و صلح جهانی، حساس امنیت و توسعه. (تاجبخش، ۱۳۸۴، ۱۶)	کلاوس افه

عوامل مؤثر شکل‌گیری سرمایه اجتماعی

سن - مشارکت اجتماعی فرد در هر سنی امکان‌پذیر است اما در مراحل مختلف سنی متفاوت است، برخی از تحقیقات نشان داده که ارتباط سن و انجمن‌پذیری و مشارکت اجتماعی به صورت رابطه (U) است. به گونه‌ای که از سن ۱۸ تا ۲۹ سالگی عضویت یگانه و از ۳۰ تا ۵۹ سالگی عضویت، چندگانه است و در ۶۰ سالگی بیشتر افراد، در انجمن‌ها حضور کم‌تری دارند. البته به دلیل هم‌تغییری سن با متغیرهای درآمد، آموزش، موقعیت شغلی، موقعیت خانوادگی و تأهل می‌توان تغییر در میزان سرمایه اجتماعی را در مقاطع مختلف سنی تحلیل کرد. (افه و فوش، ۲۰۰۲ - گلپزر، ۲۰۰۱، پاراگال و هوک، ۲۰۰۲)

جنس - این متغیر تا به حال در جوامع به گونه‌ای بوده که مشارکت بیشتر مردان نسبت به زنان دیده شده است، ضمن اینکه جنسیت بر نوع عضویت در انجمن‌ها نیز تأثیر می‌گذارد یعنی زنان بیشتر در انجمن‌های خدماتی، خیریه، مذهبی، آموزشی و فرهنگی و مردان بیشتر در انجمن‌های سیاسی شرکت داشته‌اند. (افه و فوش، ۲۰۰۲: ۲۲۹)

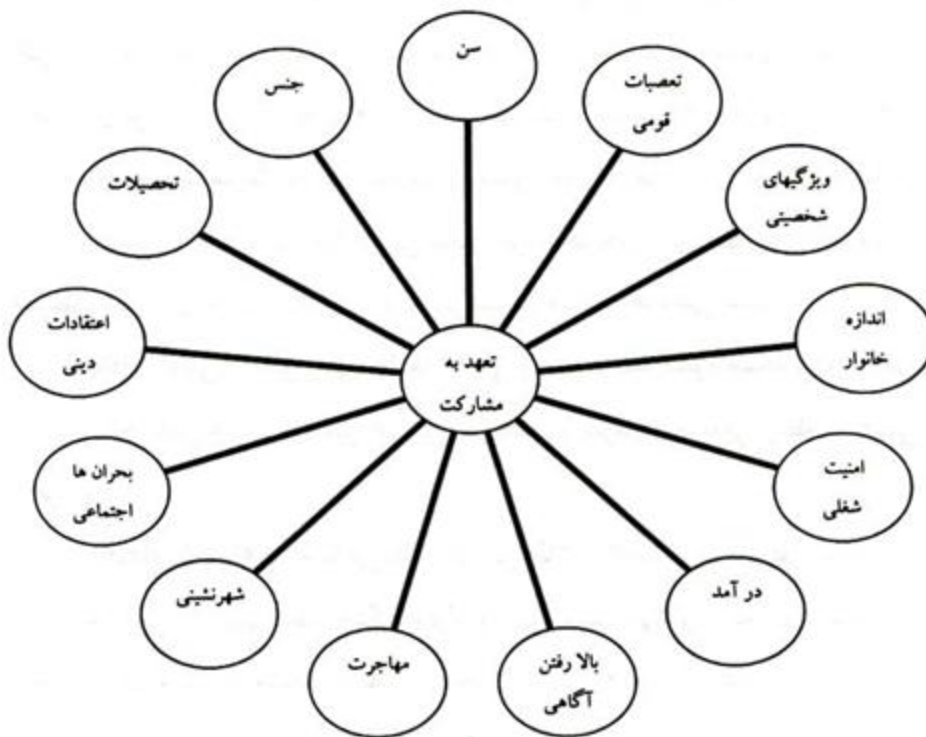
آموزش و تحصیلات - بین سال‌های رسمی آموزش مدرسه و سرمایه اجتماعی رابطه مستقیمی وجود دارد، چرا که این متغیر خود انگیزه‌ای برای جهان‌بینی وسیع‌تر و همین‌طور آموزه‌ای جهت تشویق افراد به شرکت در مسائل اجتماعی است.

اعتقادات دینی - به‌طور کلی نهادهای دینی باعث توسعه شیوه همکاری و آگاهی از مسائل اجتماعی هستند و همین امر بین این متغیر و سرمایه اجتماعی رابطه مستقیمی برقرار می‌سازد.

بحران‌های اجتماعی - مسائلی نظیر: افزایش طلاق، کاهش ازدواج، فقر، بیکاری و وقایع غیر قابل پیش‌بینی نظیر جنگ، زلزله و سیل سبب می‌شوند که افراد بیشتر در برطرف کردن مسائل و مشکلات ناشی از بحران خود را درگیر سازند.

شهرنشینی - تنوع فعالیت در شهرها، تمایل به مشارکت را افزایش می دهد.
آگاهی عمومی - بالا رفتن آگاهی افراد از طریق رسانه های جمعی، سبب مشارکت بیشتر آنان می شود.
 درآمد - بالا بودن درآمد، سبب افزایش فرصت زندگی برای افراد می شود و آنان را در مسائل اجتماعی درگیر می سازد.
امنیت شغلی - مشمول فعالیت های انجمنی ناشی از امنیت شغلی بیشتر است، زیرا دغدغه فرد برای تأمین معاش کمتر است.
 اندازه خانوار، ویژگی های شخصیتی، تعصبات قومی نیز از جمله عوامل مثبت تأثیرگذار در امر شرکت در مسائل اجتماعی هستند.

مدل ۱- روابط متغیرها در مشارکت اجتماعی



کارکرد های سرمایه اجتماعی:

- افزایش تولید در سطح کلی و کاهش هزینه‌ها
 - تشویق رفتارهای کار آفرینی
 - کمک به کارکرد بهتر بازار (مشتری‌سالاری - تسهیل کار تیمی)
 - تقویت هنجارهای مطلوب جامعه و کاهش جرایم
 - افزایش کارآیی نهادهای دولتی و حکومتی
 - تسهیل موفقیت در یادگیری و تحصیل
 - سلامت فرد (یادگیری، رضایت، کاهش استرس)
 - موانع تبدیل سرمایه اجتماعی به سرمایه اقتصادی
- یکی از موانعی که سبب جلوگیری از چسبندگی اجتماعی می‌شود، شکاف‌های اجتماعی از جمله شکاف جنسیتی است.

شکاف جنسیتی یک شکاف ساختاری است که از تقسیم جمعیت جامعه به دو گروه مردان و زنان به وجود می‌آید. آنچه سبب می‌شود تا این شکاف تعدیل یابد، وجود یک ارگان رسمی جامعه‌پذیری سیاسی یعنی آموزش و پرورش پس از جامعه‌پذیری غیر رسمی از طرف خانواده است.

نظریه‌های مربوط به نقش زنان در توسعه اجتماعی در ایران را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد:

گروه اول، کسانی که معتقدند زنان در رشد و تعالی جامعه مشارکت دارند ولی این مشارکت به صورت پنهان است و نمود ظاهری کمی دارد. این گروه بر این نکته تأکید دارند که زنان در فعالیت‌های اجتماعی به‌طور مستقیم دخالت کمتری دارند اما سهم واقعی ایشان در تولید اجتماعی اگر بیشتر از مردان نباشد، کمتر از آنان نیست و در واقع مساوی است. استدلال اینان بر مبنای تأکیدشان بر

نقش واسطه‌ای زن در فراهم آوردن شرایط کار مطلوب برای مردان، در نقش همسر و تربیت مردان آگاه و با کفایت در نقش مادر است. (بهزادپور، ۱۳۷۴- ترکمانی، ۱۳۷۴) این گروه بر ارزشمند بودن نقشهای سنتی زنان تأکید دارند.

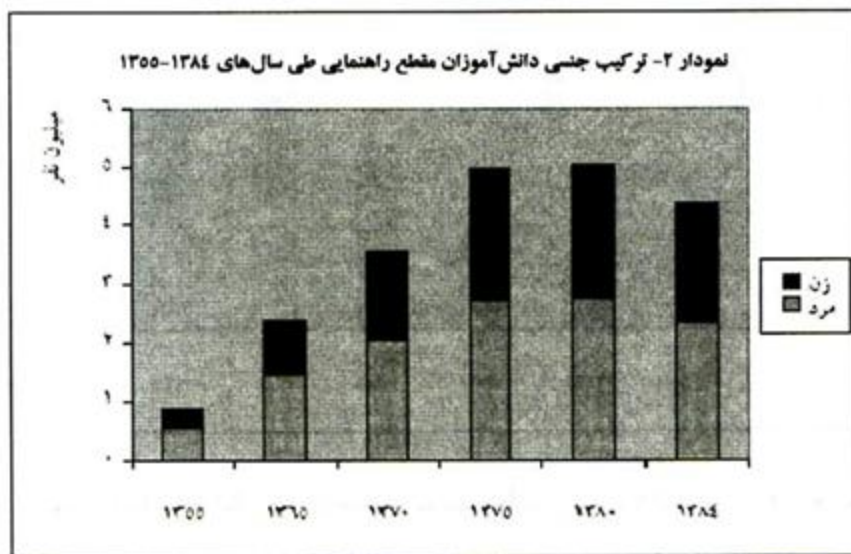
گروه دوم، کسانی هستند که بیشتر بر نقش مستقیم زنان در عرصه اجتماع و اقتصاد توجه دارند و با استفاده از آمار و ارقام تأکید می‌کنند که سهم زنان در فعالیت‌های اجتماعی ناچیز است و باید متحول شود آنها با عنایت به این موضوع که زنان نیمی از جمعیت هستند بر این عقیده‌اند که استفاده نکردن از نیروی کار زنان موجب کندی رشد جامعه می‌شود، بنابراین باید شرایطی را فراهم کرد که زنان هر چه بیشتر به ایفای نقش‌های مهم اجتماعی خود بپردازند. (صباغیان، ۱۳۷۴- مسن مظفری، ۱۳۷۴- صمد، ۱۳۷۴- محمدی، ۱۳۷۴ - صابر، ۱۳۷۴)

این مقاله بیشتر بر نظریات گروه دوم تأکید می‌کند، چرا که شرکت در فعالیت‌های اجتماعی مانع از انجام وظایف خانوادگی نیست و طبق الگوی نظری در این مقاله، چنین نتیجه‌ای بدست می‌آید که شرکت مستقیم در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی سبب بهتر شدن کارکرد زنان در منزل و خانواده می‌شود.

جدول ۲- داده‌های بدست آمده از سرشماری سال ۱۳۸۵

ترکیب جنسی دانش آموزان راهنمایی				سال
دختر		پسر		
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۳۷,۲۱	۳۳۲۶۷۰	۶۲,۷۹	۵۶۱۳۷۷	۱۳۵۵
۳۸,۴۲	۹۶۱۱۸۵	۶۱,۵۸	۱۵۶۰۳۷۹	۱۳۶۵
۴۱,۱۰	۱۴۹۰۸۷۱	۵۷,۹۰	۲۰۵۰۷۰۷	۱۳۷۰
۴۴,۹۱	۲۲۲۵۲۱۵	۵۵,۰۹	۲۷۲۴۹۹۰	۱۳۷۵
۴۵,۳۲	۲۲۷۸۳۵۰	۵۴,۶۸	۲۷۵۸۸۷۱	۱۳۸۰
۴۶,۳۵	۲۰۲۵۹۵۸	۵۳,۶۵	۲۳۴۵۳۵۷	۱۳۸۵

مصدر: ۱۳

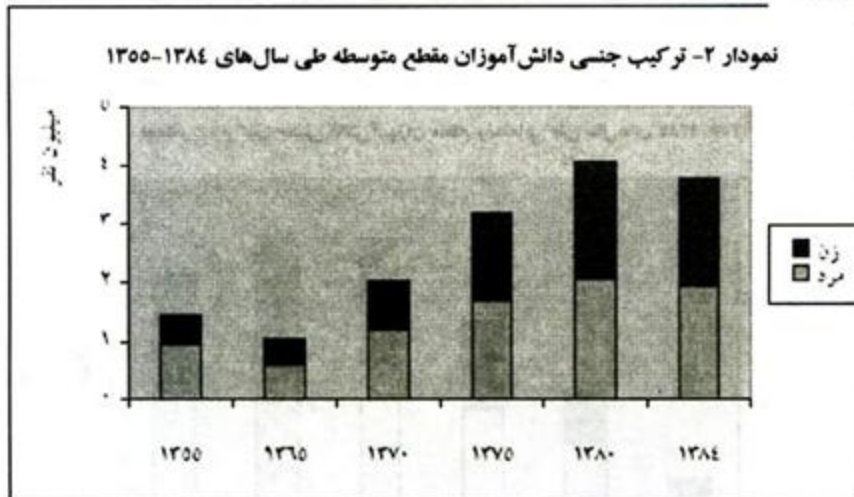


سهم دختران دانش آموز مقطع راهنمایی با نرخ رشد ۲۴,۵۵ از ۳۷,۲۱ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۴۶,۶۵ درصد در سال ۱۳۸۵ رسیده است. همانطور که در نمودار ۱ ملاحظه می‌شود تعداد دانش آموزان مقطع راهنمایی نیز رو به کاهش است.

جدول ۳- ترکیب جنسی دانش‌آموزان متوسطه

سال	پسر		دختر	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱۳۵۵	۴۳۱۰۱۸	۶۳٫۶۴	۵۳۱۹۳۶	۳۶٫۳۶
۱۳۶۵	۵۹۷۸۵۱	۵۷٫۶۲	۴۳۹۶۸۰	۴۲٫۳۸
۱۳۷۰	۱۱۴۲۳۴۰	۵۸٫۶۶	۸۳۸۶۴۶	۴۱٫۲۹
۱۳۷۵	۱۷۰۱۵۲۵	۵۳٫۵۳	۱۴۷۷۲۴۴	۴۶٫۴۷
۱۳۸۰	۲۰۶۴۴۴۲	۵۰٫۸۳	۱۹۹۶۴۸۱	۴۹٫۱۷
۱۳۸۴	۱۹۱۷۸۸۸	۵۰٫۸۴	۱۸۵۴۶۹۷	۴۹٫۱۶

منبع: ۱۳

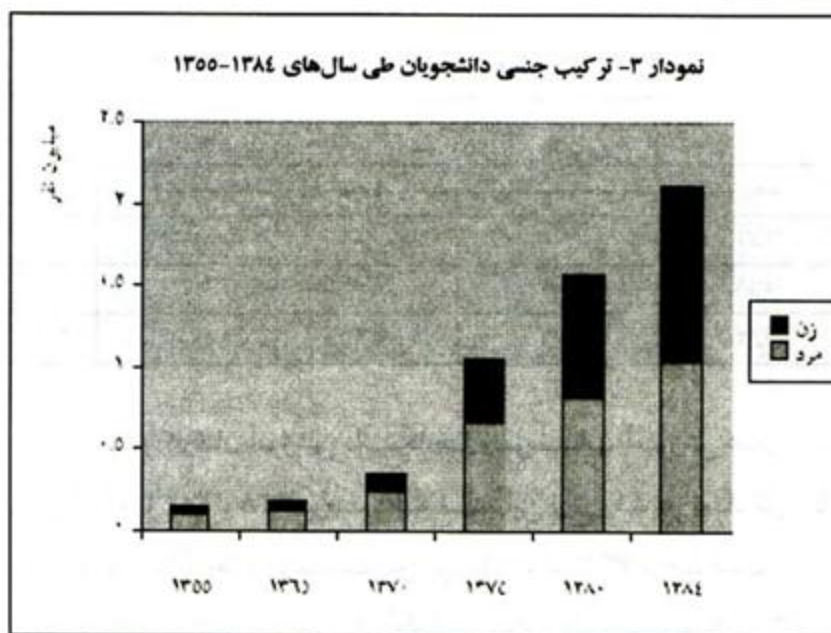


سهم دختران از دانش‌آموزان مقطع متوسطه با نرخ رشد ۲٫۸۹ از ۴۷٫۸ درصد در سال ۱۳۷۶ به ۴۹٫۱۶ درصد در سال ۱۳۸۴ رسیده است. با توجه به تغییر نظام آموزشی در مقطع متوسطه، بخشی از تغییرات مشاهده شده در نمودار فوق طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۴ مربوط به تفکیک دانش‌آموزان متوسطه و پیش‌دانشگاهی است. قابل ذکر است سهم دختران از دانش‌آموزان مقطع پیش‌دانشگاهی با نرخ رشد ۱۶٫۲۹ از ۵۴٫۵۳ درصد در سال ۱۳۷۶ به ۶۴٫۴۲ درصد در سال ۱۳۸۴ رسیده است.

جدول ۴- ترکیب جنسی دانشجویان

سال	پسر		دختر	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱۳۵۵	۱۰۱۷۱۳	۶۸،۲۳	۴۷۱۳۰	۳۱،۷۷
۱۳۶۵	۱۲۵۳۲۷	۶۸،۴۰	۵۶۵۶۲	۳۱،۶۰
۱۳۷۰	۲۴۷۰۱۶	۶۲،۸۲	۱۴۶۶۹۸	۳۸،۱۸
۱۳۷۵	۲۶۳۹۳۲	۶۲،۷۲	۱۵۷۱۲۶۱	۳۷،۲۸
۱۳۸۰	۸۲۵۸۱۵	۵۲،۶۱	۷۴۳۹۵۱	۴۷،۳۹
۱۳۸۴	۱۰۳۷۹۰۸	۴۹،۰۲	۱۰۷۴۵۶۳	۵۰،۹۸

ساخته: ۱۳



سهم دختران از دانشجویان دختر دانشگاه‌ها مشتمل بر دانشجویان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و دانشگاه آزاد اسلامی با نرخ رشد ۶۰،۲۴ از ۳۱،۷۷ درصد در سال ۱۳۷۶ به ۵۰،۹۸ درصد در سال ۱۳۸۴ رسیده است.

جدول ۵- ترکیب جنسی کارکنان آموزشی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی

سال	سر		زن	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱۳۶۰-۶۱	۶۶۱۸	۸۴٫۲۵	۱۴۲۴	۱۴٫۷۴
۱۳۶۵-۶۶	۱۶۰۴۱	۸۴٫۰۱	۲۲۹۳	۱۴٫۹۹
۱۳۷۰-۷۱	۲۰۹۲۳	۸۳٫۰۰	۴۲۸۵	۱۷٫۰۰
۱۳۷۵-۷۶	۳۳۳۰۰	۸۲٫۲۸	۶۱۷۱	۱۷٫۷۱
۱۳۸۰-۸۱	۴۴۸۹۱	۸۱٫۶۸	۱۰۰۷۰	۱۸٫۳۲
۱۳۸۳-۸۴	۵۹۷۰۱	۸۱٫۹۱	۱۳۱۸۸	۱۸٫۰۴

مخند: ۱۳

جدول ۶- ترکیب جنسی کارکنان آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی

سال	سر		زن	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱۳۷۵-۷۶	۱۵۹۴۳	۸۷٫۴۶	۲۲۸۵	۱۱٫۸۴
۱۳۸۰-۸۱	۲۰۰۰۴	۸۴٫۵۲	۳۷۵۷	۱۸٫۷۸
۱۳۸۳-۸۴	۲۹۰۱۴	۸۰٫۹۳	۶۹۳۳	۱۸٫۰۷

مخند: ۱۳

سهم زنان از کارکنان آموزشی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی طی سالهای ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۲، ۳٫۳۸ درصد داشته است. این نرخ رشد در تعداد کارکنان آموزشی زن در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی برابر ۷۳٫۱ درصد است. سهم زنان از کارکنان آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی طی سالهای ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۲، ۲۷٫۹ درصد رشد داشته است. این نرخ رشد در تعداد کارکنان آموزشی زن در دانشگاه آزاد اسلامی برابر ۱۴۱٫۶۲ درصد است.

جدول ۷- توزیع نسبی زنان منتخب انتخابات مجلس شورای اسلامی

دوره	بیست و یکم	بیست و دوم	بیست و سوم	بیست و چهارم
نفر	۶	۷	۱۸	۲۰
درصد	۳	۳,۳	۶	۷,۵

جدول ۸- توزیع نسبی زنان منتخب انتخابات مجلس سنا

دوره	چهارم	پنجم	ششم	هفتم
نفر	۲	۲	۲	۱
درصد	۲,۳	۲,۳	۲,۳	۱,۳

جدول ۹- توزیع نسبی زنان داوطلب و منتخب انتخابات مجلس شورای اسلامی

دوره	داوطلبین		منتخبین	
	نفر	درصد	نفر	درصد
اول	۴۰	۳,۰۲	۴	۱,۶۶
دوم	۳۲	۱,۹۸	۴	۱,۶۶
سوم	۴۷	۱,۹۹	۴	۱,۶
چهارم	۱۶	۳	۴	۳,۶
پنجم	۲۵۱	۶,۴۳	۱۴	۵,۶
ششم	۴۰۴	۷,۳	۱۳	۴,۴
هفتم	۸۰۶	۹,۸۸	۱۲	۴,۴

چنانچه ملاحظه می شود درصد نمایندگان زن مجلس که در ابتدای انقلاب اسلامی با کاهش مواجه بود در سال های بعد از انقلاب مجدداً رو به افزایش گذاشته است. نرخ رشد درصد داوطلبان زن نمایندگی مجلس، طی دوره های اول تا هفتم مجلس شورای اسلامی برابر ۱۶۵,۰۶ درصد بوده است. همچنین سهم زنان از داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی در دوره های اول تا هفتم با نرخ معادل ۲۲۷,۴۸ درصد رشد یافته است.

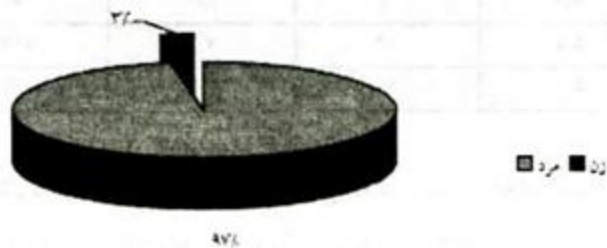
جدول ۱۰- مشارکت جنس اعضای شوراهای اسلامی شهر و روستا

دوره	ترکیب جنسی اعضا شوراهای اسلامی شهر و روستا				ترکیب جنسی داوطلبان نمایندگی شوراهای اسلامی شهر و روستا			
	زن		مرد		زن		مرد	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
دوره اول	۱۶۲۶۴۹	۹۹٫۱۶	۱۳۶۳	۰٫۸۴	۳۲۸۸۶۲	۹۷٫۸۴	۷۲۷۶	۲٫۱۶
دوره دوم	۱۵۲۹۷۴	۹۸٫۴۹	۳۳۳۸	۱٫۵۱	۲۱۳۰۹۱	۹۷٫۳۲	۵۸۶۶	۲٫۶۸

نمودار ۴- ترکیب جنسی نمایندگان شوراهای اسلامی شهر و روستا



نمودار ۵- ترکیب جنسی داوطلبان نمایندگی شورای اسلامی شهر و روستا



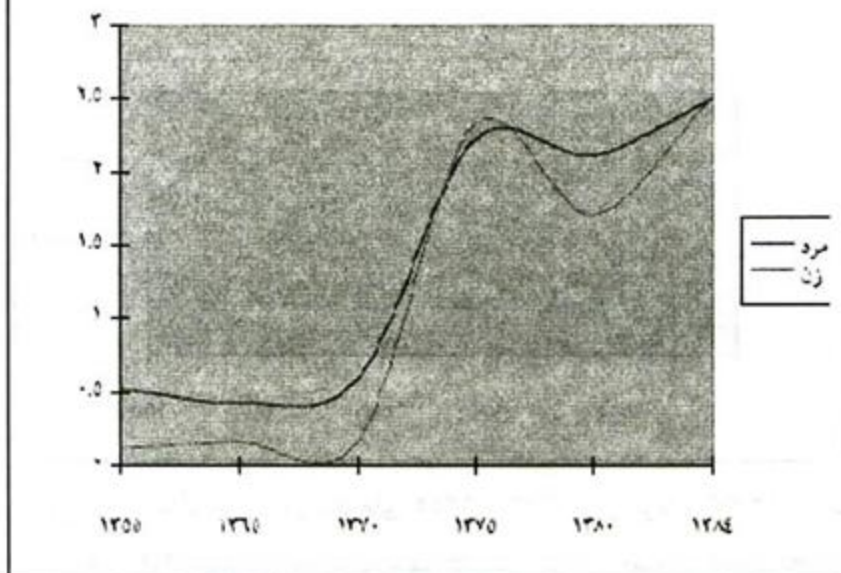
چنانچه ملاحظه می‌شود تعداد داوطلبان نمایندگی زن شورای اسلامی شهر و روستا کاهش یافته است. لکن مشارکت سیاسی زنان به عنوان عضو شورای اسلامی شهر و روستا افزایش داشته است. نرخ رشد درصد اعضای زن شورای اسلامی شهر و روستا، طی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۲ برابر ۷۹٫۷۶ درصد بوده است.

جدول ۱۱- درصد مدیران، قانونگذاران و کارکنان عالی رتبه از کل شاغلان

سال	مرد	زن
۱۳۵۵	۰.۴۲	۰.۱۱
۱۳۶۵	۰.۴۳	۰.۱۶
۱۳۷۰	۰.۴۹	۰.۱۶
۱۳۷۵	۱.۱۱	۲.۳۲
۱۳۸۰	۱.۱۱	۱.۷۱
۱۳۸۴	۲.۵	۳.۵

معد: ۱۳، ۱۴، ۱۵

نمودار ۱۵- درصد مدیران، قانونگذاران و کارکنان عالی رتبه طی سال های ۱۳۵۵-۱۳۸۴



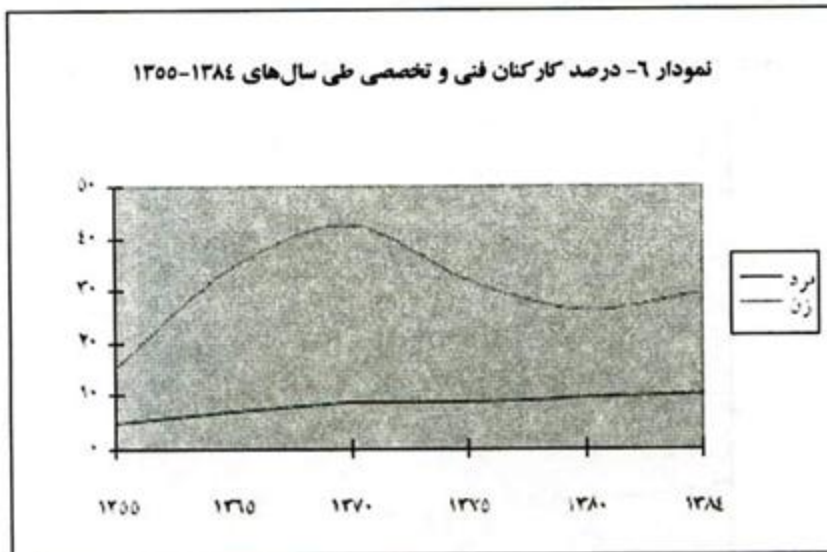
نرخ رشد درصد مدیران، قانونگذاران و کارکنان عالی رتبه از مردان شاغل طی سال های ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۴ تغییر چشمگیری داشته است که نمایانگر کاهش شدید تفاوت جنسیتی موجود در عرصه مدیریت است به طوری که نرخ رشد این نماگر در دوره ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۴ برای مردان برابر ۳۸۰ درصد و برای زنان برابر ۲۱۷۲ درصد بوده است.

جدول ۱۲- درصد کارکنان فنی و تخصصی از کل شاغلان

سال	مرد	زن
۱۳۵۵	۵,۸۵	۱۵,۵
۱۳۶۵	۷,۰۷	۳۴,۷۸
۱۳۷۰	۸,۷۸	۴۲,۵۷
۱۳۷۵	۹,۰۱	۳۲,۱۲
۱۳۸۰	۹,۹۵	۱۶,۵۳
۱۳۸۴	۱۰,۳	۲۹,۹

منبع: ۱۳، ۱۴، ۱۵

نمودار ۶- درصد کارکنان فنی و تخصصی طی سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۸۴

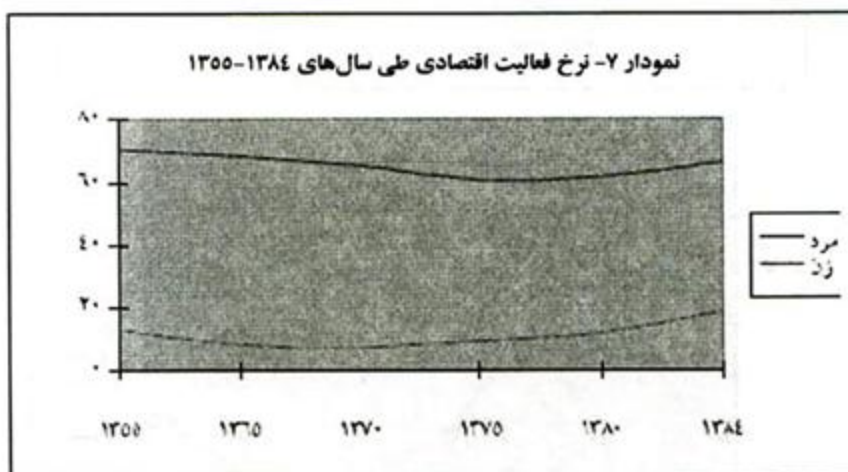


نرخ رشد نماگر مزبور در سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۳ برای مردان، ۱۱۲,۳۷ درصد و برای زنان ۹۲,۹۰ درصد بوده است. سهم کارکنان فنی و تخصصی از شاغلان زن همواره بیشتر از این سهم در میان شاغلان مرد بوده است و در سال‌های اخیر در حدود یک‌چهارم زنان شاغل را کارکنان فنی و تخصصی تشکیل داده‌اند ولی این سهم برای مردان در حدود ۱۰ درصد بوده است. چنانچه ملاحظه می‌شود، از سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۴ درصد کارکنان فنی و تخصصی زن صعود و افول زیادی داشته است.

جدول ۱۳- نرخ فعالیت اقتصادی

سال	مرد	زن
۱۳۵۵	۷۰٫۶۳	۲٫۶۳
۱۳۶۵	۶۸٫۳۳	۸٫۱۵
۱۳۷۰	۶۶٫۵۵	۷٫۲۹
۱۳۷۵	۶۰٫۶۷	۹٫۱۰
۱۳۸۰	۶۱٫۸۱	۱۰٫۲۹
۱۳۸۴	۶۶٫۴	۱۸٫۷

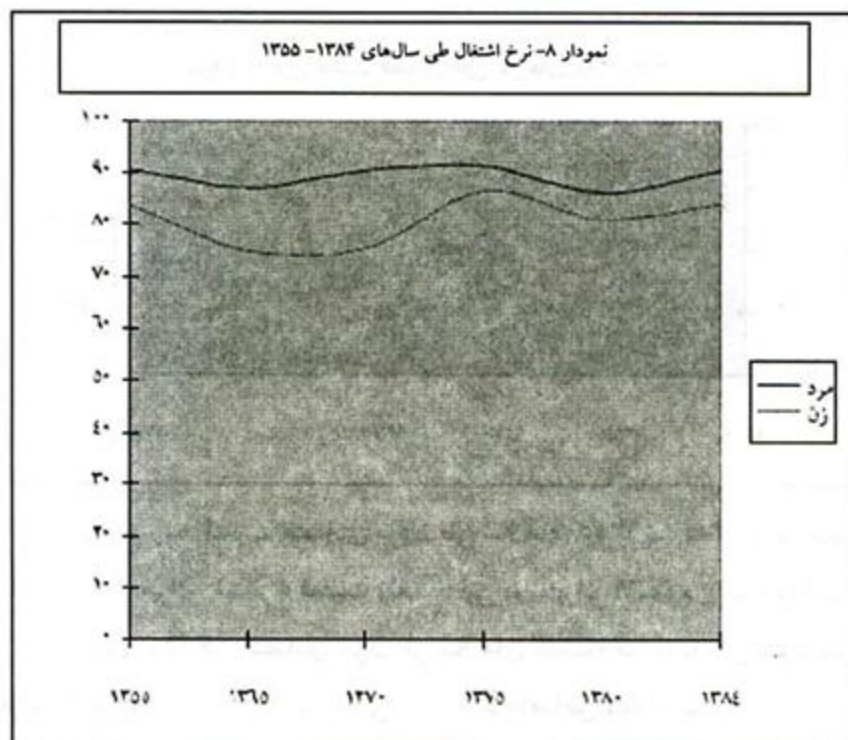
منابع: ۱۳، ۱۴، ۱۵



میزان نرخ رشد فعالیت اقتصادی مردان طی سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۴ برابر منفی ۶٫۱۶ درصد و میزان رشد نرخ فعالیت زنان در این دوره برابر ۴۴٫۶۲ درصد بوده است. در بررسی مشارکت اقتصادی بانوان طی سال‌های گذشته مشاهده می‌شود، نرخ فعالیت اقتصادی زنان همواره سهم اندکی را به خود اختصاص داده است. پایین بودن میزان مشارکت اقتصادی زنان و در نتیجه پایین بودن سطح درآمد آنان میزان آسیب‌پذیری زنان در مواجهه با رکود اقتصادی را بیشتر خواهد کرد. علاوه بر این، این مسئله سبب افزایش بار تکفل خواهد بود.

سال	مرد	زن
۱۳۵۵	۴۰٫۳	۸۳٫۶۴
۱۳۶۵	۸۷٫۱۲	۷۴٫۸
۱۳۷۰	۴۰٫۴۲	۷۵٫۵۲
۱۳۷۵	۴۱٫۴۴	۸۶٫۶۵
۱۳۸۰	۸۶٫۳۶	۸۱٫۰۹
۱۳۸۴	۴۰٫۳	۸۳٫۹

منبع: ۱۳، ۱۴، ۱۵



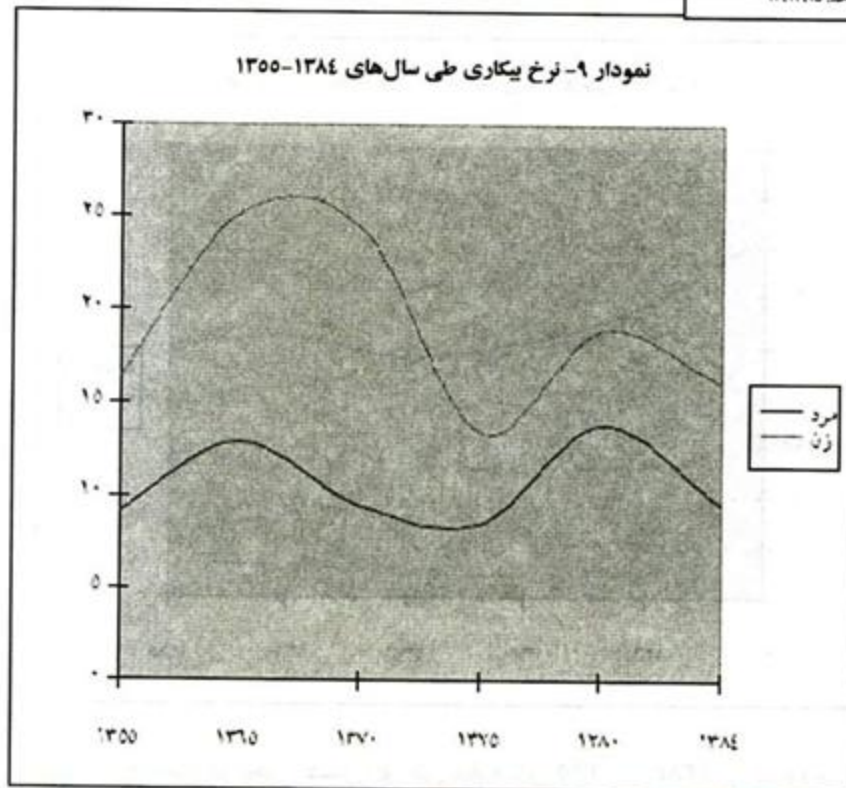
میزان نرخ رشد اشتغال مردان طی سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۴ برابر منفی ۰٫۴۴ درصد و میزان نرخ رشد اشتغال زنان در این دوره ۰٫۳۱ درصد بوده است.

جدول ۱۵- نرخ بیکاری

سال	مرد	زن
۱۳۵۵	۹,۱	۱۶,۳
۱۳۶۵	۱۲,۸۸	۲۵,۲
۱۳۷۰	۹,۴۸	۲۴,۱۸
۱۳۷۵	۸,۴۶	۱۳,۳۵
۱۳۸۰	۱۳,۸۴	۱۸,۴۱
۱۳۸۴	۹,۴	۱۶,۱

ساخته: ۱۳۸۴، ۱۵

نمودار ۹- نرخ بیکاری طی سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۸۴



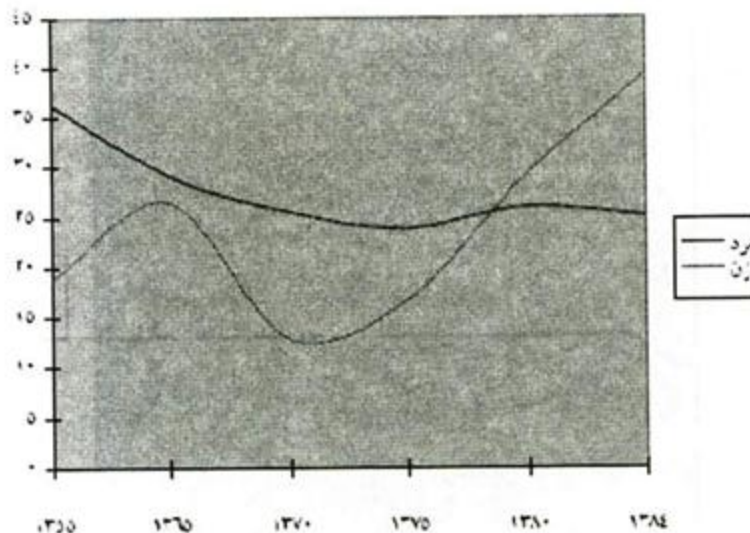
میزان نرخ رشد بیکاری مردان طی سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۴ برابر ۴,۴۰ درصد و میزان نرخ رشد بیکاری زنان در این دوره منفی ۱,۵۹ درصد بوده است.

جدول ۱۶- اشتغال در بخش کشاورزی

سال	مرد	زن
۱۳۵۵	۳۰٫۶۳	۱۱٫۸۱
۱۳۶۵	۲۴٫۶۱	۲۶٫۶۴
۱۳۷۰	۲۴٫۶۷	۱۲٫۸۲
۱۳۷۵	۲۳٫۹۱	۱۶٫۶۶
۱۳۸۰	۲۳٫۰۱	۲۹٫۲۴
۱۳۸۴	۲۵٫۱	۳۹٫۲

منبع: ۱۳، ۱۴، ۱۵

نمودار ۱۰- درصد اشتغال در بخش کشاورزی طی سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۸۴



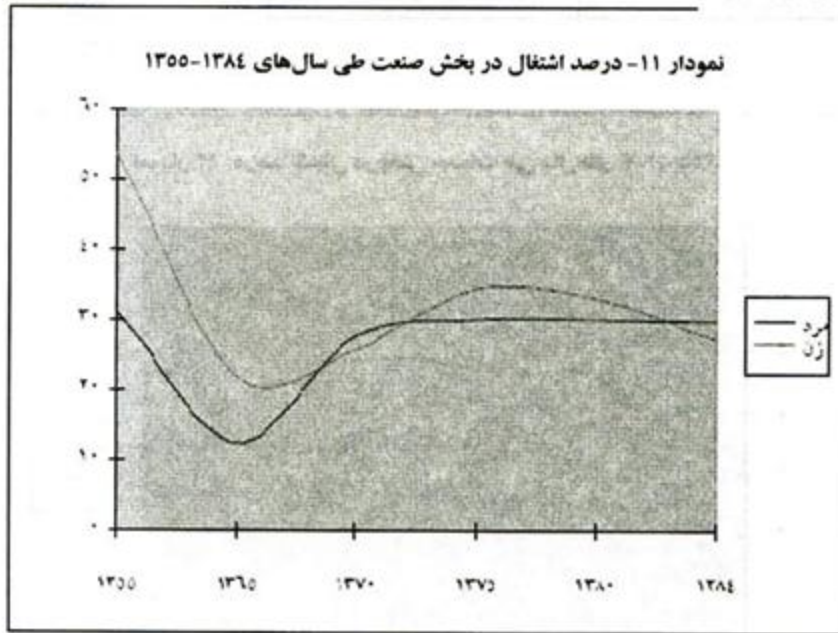
درصد اشتغال در بخش کشاورزی طی سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۴ در گروه مردان کاهش و در گروه زنان افزایش داشته است.

نرخ رشد اشتغال مردان در بخش کشاورزی طی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۲ برابر منفی ۳۱٫۱۰ درصد و نرخ رشد این نعاگر برای زنان در این دوره ۱۰۸٫۴۰ درصد بوده است.

جدول ۱۲- اشتغال در بخش صنعت

سال	مرد	زن
۱۳۵۵	۴۱,۱۱	۵۳,۸
۱۳۶۵	۱۲,۳۸	۲۱,۸۱
۱۳۷۰	۲۷,۸	۲۵,۷۵
۱۳۷۵	۴۰,۱۷	۳۴,۵
۱۳۸۰	۳۰,۲	۳۳,۱۴
۱۳۸۴	۲۹,۸	۲۷,۴

منابع: ۱۳، ۱۴، ۱۵



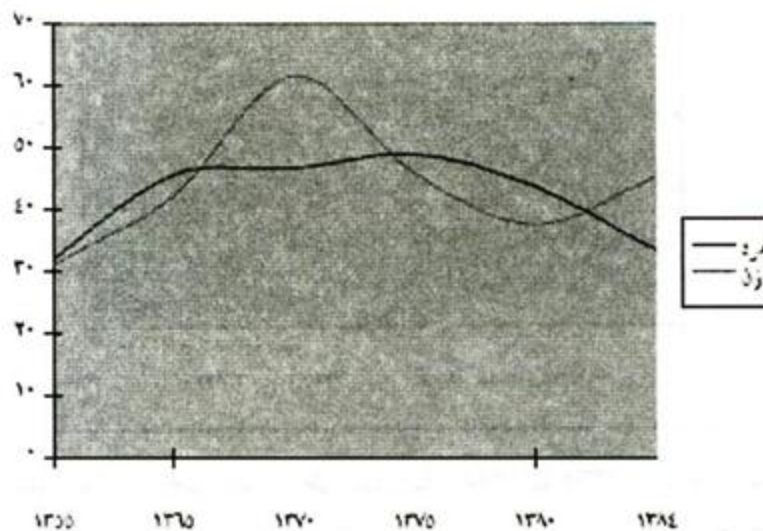
درصد اشتغال در بخش صنعت، طی سال های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ با کاهش شدید رویه رو بوده ولی از سال ۱۳۶۵ مجدداً رو به افزایش رفته است. هرچند از سال ۱۳۷۵ در میان زنان مجدداً با کاهش اشتغال در بخش صنعت رویه رو بوده ایم. نرخ رشد اشتغال مردان در بخش صنعت طی سال های ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۴ برابر منفی ۴,۲۱ درصد و نرخ رشد این نماگر برای زنان در این دوره منفی ۴۹,۰۷ درصد بوده است.

جدول ۱۸- اشتغال در بخش خدمات

سال	مرد	زن
۱۳۵۵	۳۱,۶۸	۳۰,۵۱
۱۳۶۵	۴۵,۶	۴۳,۰۴
۱۳۷۰	۵۶,۵۲	۶۱,۳۳
۱۳۷۵	۵۸,۱۱	۵۴,۵۱
۱۳۸۰	۴۳,۶۹	۳۷,۵۶
۱۳۸۴	۳۴,۳	۴۵,۲

منبع: ۱۳، ۱۴، ۱۵

نمودار ۱۲- درصد اشتغال در بخش خدمات طی سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۸۴



درصد اشتغال در بخش خدمات به‌طور متوسط طی سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۴ در میان مردان ۵,۱۱ درصد و برای زنان ۴۶,۱۸ درصد افزایش داشته است.

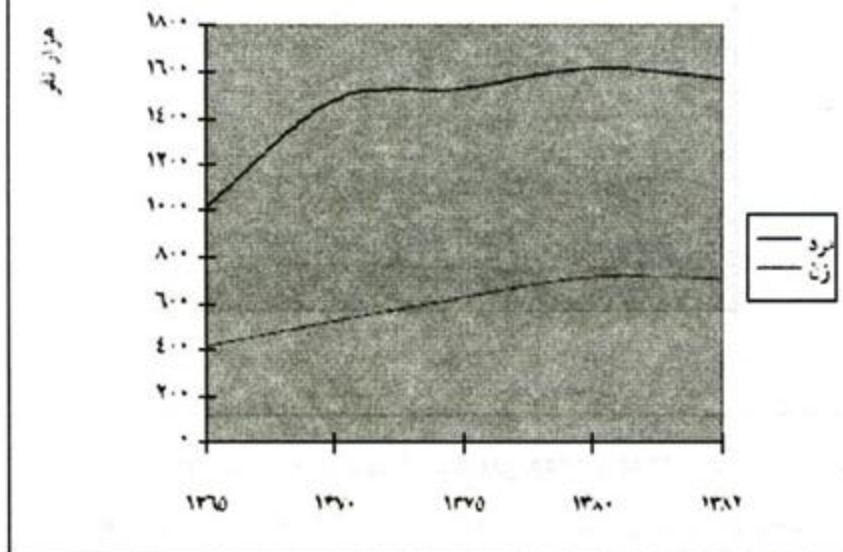
جدول ۱۹- کارکنان دولت مشمول و غیرمشمول قوانین استخدام کشوری

سال	مرد	زن
۱۳۵۳*	۲۱۰۳۶۸	۸۷۲۷۶
۱۳۶۵	۱۰۱۴۴۲۹	۱۱۹۵۴۴
۱۳۷۰	۱۴۷۹۶۷۶	۵۲۴۴۰۹
۱۳۷۵	۱۵۲۴۰۵۸	۶۳۱۳۰۱
۱۳۸۰	۱۶۱۴۵۶۶	۷۱۶۰۳۸
۱۳۸۲	۱۵۱۳۴۶۰	۷۱۲۲۱۰

مانند: ۱۳

* فقط مستخدمین مشمول قانون استخدام کشوری

نمودار ۱۳- کارکنان دولت مشمول و غیرمشمول قانون استخدام کشوری طی سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۶۵

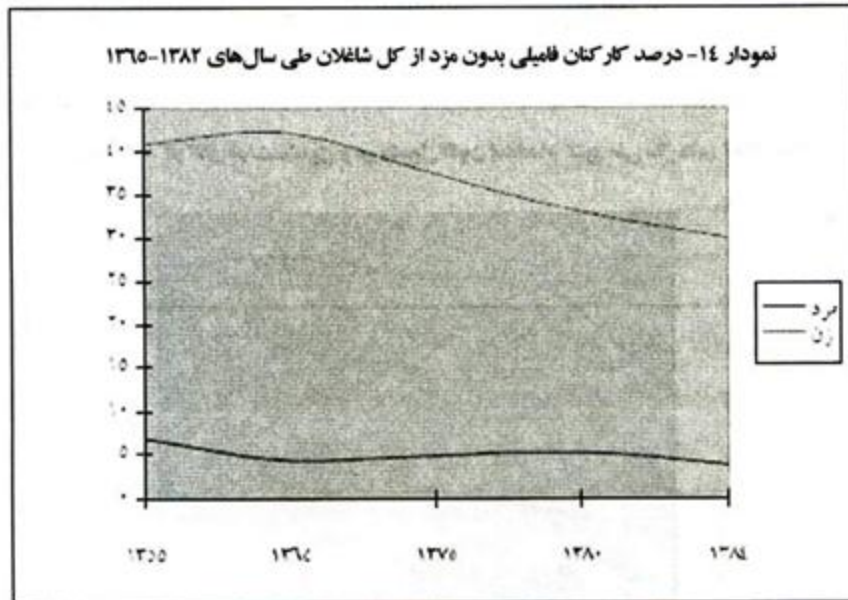


نرخ رشد تعداد کارکنان زن طی سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۲ برابر ۶۹٫۷۶ درصد بوده است. نرخ رشد تعداد کارکنان مرد دولت نیز در دوره مذکور، برابر ۵۵٫۱ درصد بوده است.

جدول ۲۰- کارکنان فامیلی بدون مزد

سال	مرد	زن
۱۳۵۵	۶،۹۳	۵۰،۹
۱۳۶۵	۴،۲۸	۵۳،۰۵
۱۳۷۵	۴،۸۸	۳۷،۴۴
۱۳۸۰	۵،۲۳	۳۳،۰۱
۱۳۸۴	۳،۹	۲۴،۹

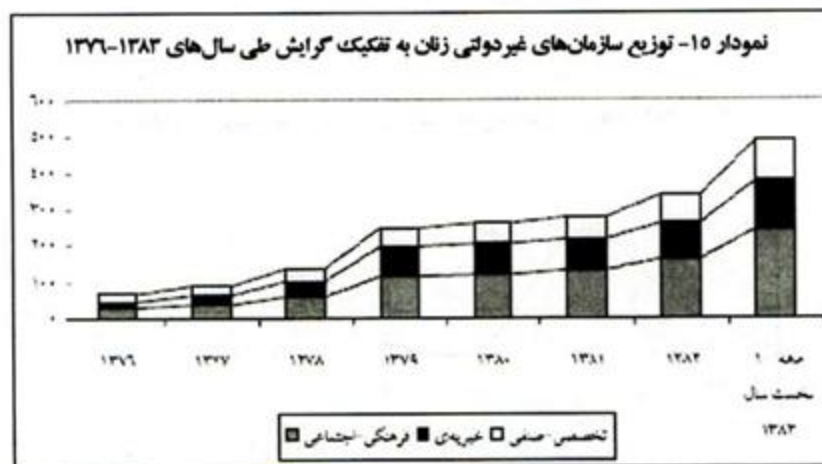
ماعد: ۱۳، ۱۴، ۱۵



درصد کارکنان فامیلی بدون مزد، طی سال های ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۴ در هر دو گروه مردان و زنان کاهش داشته است. هرچند در تمام سال های مورد بررسی بیش از یک چهارم زنان شاغل را کارکنان فامیلی بدون مزد تشکیل داده اند که این رقم در میان مردان شاغل کمتر از ۱۰ درصد بوده است. نرخ رشد درصد کارکنان فامیلی بدون مزد از مردان شاغل طی سال های ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۴ برابر منفی ۴۳،۷ و رشد درصد کارکنان فامیلی بدون مزد از زنان شاغل در این دوره برابر منفی ۲۶،۸۹ درصد بوده است.

جدول ۲۱- توزیع سازمان‌های غیردولتی زنان به تفکیک گرایش

سال	فرهنگی اجتماعی	غیرپولی	تخصصی-صنعتی	جمع
۱۳۷۶	۲۸	۱۹	۲۰	۶۷
۱۳۷۷	۳۹	۲۶	۲۴	۸۹
۱۳۷۸	۶۰	۴۹	۳۲	۱۳۷
۱۳۷۹	۱۱۶	۸۰	۵۲	۲۴۸
۱۳۸۰	۱۲۲	۸۱	۵۴	۲۶۰
۱۳۸۱	۱۳۱	۸۶	۶۰	۲۷۷
۱۳۸۲	۱۶۲	۹۹	۶۶	۳۲۷
۱۳۸۳	۲۴۹	۱۳۲	۱۱۱	۴۹۰

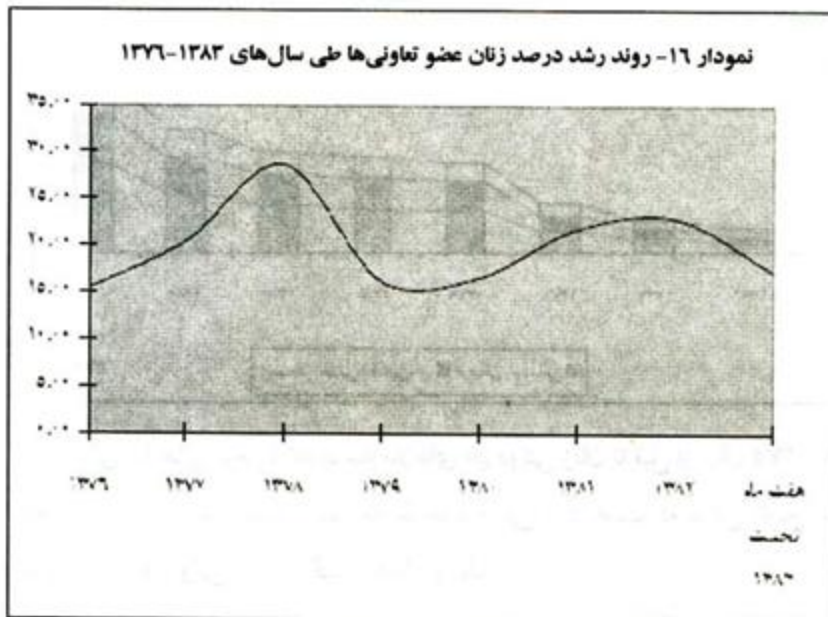


طبق آمارهای موجود تعداد سازمان‌های غیردولتی زنان تا قبل از سال ۱۳۷۵ به‌طور دقیق گردآوری نشده است و تنها آمار موجود حاکی از آن است که تا این تاریخ تعداد ۵۵ سازمان غیردولتی زنان در کشور فعال بوده‌اند.

نرخ رشد تعداد سازمان‌های غیردولتی زنان طی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۳ برابر ۶۱۶٫۴۱ بوده و بیشترین نرخ رشد مربوط به سازمان‌های غیردولتی زنان با موضوع فعالیت فرهنگی - اجتماعی بوده است که ۷۷۵ درصد رشد را نشان می‌دهد. شایان ذکر است در حال حاضر بیش از ۵۲۰ سازمان غیردولتی زنان در کشور فعال هستند.

جدول ۲۲- تعداد کل شرکت‌های تعاونی و درصد اعضا زن

سال	تعداد	درصد اعضا زن
۱۳۷۶	۲۲۷۸	۵۰٫۵۱
۱۳۷۷	۲۴۸۳	۵۰٫۴۳
۱۳۷۸	۴۱۲۳	۴۸٫۶۵
۱۳۷۹	۴۹۸۳	۶۰٫۶۵
۱۳۸۰	۶۸۵۴	۶۰٫۶۱
۱۳۸۱	۷۱۵۴	۶۱٫۸۳
۱۳۸۲	۷۱۸۱	۶۲٫۹۵
۷ ماهه نخست سال ۱۳۸۳	۲۸۸۱	۶۰٫۳۱



نرخ رشد درصد زنان عضو شرکت‌های تعاونی طی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۲ برابر ۱۲٫۲ بوده است. هرچند درصد زنان عضو شرکت‌های تعاونی طی سال‌های مورد بررسی روند یکنواختی نداشته است.

حال باید به این موارد توجه کرد:

منابع قدرت زنان چیست؟

زنان چگونه به این منابع دست می‌یابند؟

آیا این منابع باعث صعود یا نزول آنها می‌شود؟

عوامل قدرت در جامعه یعنی هنجارها و قوانین، معمولاً قدرت را به زنان نمی‌دهند و بخصوص هنجارهای جنسیتی، مرد را قوی‌تر و داناتر می‌داند. منابع اقتصادی در اختیار مردان است و درآمد زنان نسبت به مردان ۷۰ درصد کم‌تر است.

تحصیلات و دانایی در دسترس زنان است اما پس از کسب آن زنان نمی‌توانند از آن استفاده یکسان کنند.

به نظر می‌رسد که عمده‌ترین گروه آسیب‌پذیر در نیروی کار ایران، زنان با تحصیلات بالاتر هستند. یعنی دستیابی زنان به مدارج بالاتر تحصیلی منجر به مشارکت بیشتر، اشتغال و دستیابی به طیف وسیع‌تری از مشاغل برای آنها نشده است.

اهمیت داده‌ها در آن است که نسبت بی‌سوادی در ایران در زنان بیش از مردان است، یعنی زنان برای احراز مشاغل دلخواه خود به تحصیل روی می‌آورند، در حالی که مردان با استفاده از فرهنگ حاکم تنها به تلاش‌ها و پیگیری‌های خود اکتفا و شایستگی‌های لازم را در اثر تجربه و آزمون و خطا که به راحتی در اختیارشان قرار می‌گیرد، کسب می‌کنند.

در زمینه مشارکت نیز، میزان مشارکت مردان را می‌توان تابعی از شاخص‌های اقتصادی، جغرافیایی و گاهی سیاسی دانست. اما حد مشارکت زنان متأثر از عوامل فرهنگی، اجتماعی، قانونی و ساختاری است.

الگوی نظری اشتغال و مشارکت زنان در سرمایه اجتماعی

در دیدگاه کلان، مشارکت مدنی زنان نوعی واقعیت اجتماعی است که باید با سایر واقعیت‌های اجتماعی تبیین شود. مطابق نظر دورکیم با افزایش تراکم جمعیت و تشدید ارتباطات، تقسیم کار سستی مبتنی بر معیارهای محول^۱ چون سن و جنس جای خود را به تقسیم کار اجتماعی مبتنی بر معیارهای محقق^۲ نظیر تخصص و تجربه می‌دهد. همبستگی ارگانیک^۳ و نظم انسجامی^۴ مبتنی بر تفکیک یا تفاوت‌پذیری^۵ جایگزین همبستگی مکانیکی و نظم انتظامی^۶ مبتنی بر تشابه‌پذیری از نظر وجدان جمعی یعنی اشتراک در شیوه احساس، اندیشه و عمل می‌شود. (دورکیم، ۱۹۶۹ و بروکفیلد، ۱۹۸۳)

پی‌یر بوردیو هم با نقد دیدگاه‌های تقلیل‌گرایانه، کردار یا کنش انسان را با ترکیبی از عوامل سطوح خرد و کلان تبیین می‌کند. او در سطح کلان به ساختارها یا حوزه تعاملاتی اشاره دارد که هر کس بر حسب میزان سرمایه کلی و سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی چون تحصیلات، مهارت‌های فکری و اعتماد اجتماعی در آن پایگاهی پیدا می‌کند و در جوار کسانی قرار می‌گیرد که از لحاظ سرمایه کلی با او مشابه‌اند. افراد دارای پایگاه مشابه و تعاملات مشترک از عادت‌واره و الگوی کنشی نسبتاً همسو و هماهنگی برخوردارند. (بوردیو، ۱۹۸۶، ۱۹۸۸، ۱۹۸۷)

جفری الکساندر نیز با بررسی و نقد دیدگاه‌های موجود ضمن تلفیق سطوح خرد و کلان بر تمایز بین کنشگر و عامل تأکید دارد. او عاملیت را بعد آزادی عمل

-
- 1- Ascribed
 - 2- Achieved
 - 3- Organic solidarity
 - 4- Integrative
 - 5- Differentiation
 - 6- Mechanical solidarity

کنشگر می‌داند. الکساندر ارگانیسیم، فرهنگ و شخصیت را در درون کنشگر و نظام کنش قرار می‌دهد ولی معتقد است که کنشگر آگاهی خود را، نه از شخصیت، بلکه از فرهنگ می‌گیرد. (الکساندر، ۱۹۹۵، ۱۹۸۵)

ناتانسون (۱۹۸۰) نیز از میان آثار مثبت نقش شغلی بر سلامت و ارتقای عزت نفس، احساس پیشرفت و موفقیت در انجام دادن کار^۱ و نیز برقراری روابط اجتماعی مطلوب و رضایت‌بخشی که در پی انجام چنین فعالیت ارزشمند اجتماعی حاصل می‌شود، اشاره دارد.

دنرشتاین (۱۹۹۵) فرضیه "بسط نقش"^۲ را مطرح می‌کند و طی آن سودمندی تکثر نقش‌ها را با امتیازاتی چون ارتقای عزت نفس، کسب وجهه، منزلت، پاداش‌ها و درآمد ناشی از اشتغال مورد تأکید قرار می‌دهد. (فولر و همکارانش، ۱۹۹۴: ۲۵۴) او ساز و کارهای درگیر در این فرایند را به شرح زیر بر می‌شمرد:

اشتغال می‌تواند ارتباطات اجتماعی فرد را گسترش دهد. زنان شاغل می‌توانند از طرف همکاران شغلی و رؤسایشان مورد حمایت اجتماعی بیشتری قرار گیرند و بدین ترتیب از یکنواختی و پایگاه اجتماعی نسبتاً پایین‌تر نقش خانه‌دار بودن رهایی یابند. از آن گذشته، اشتغال معمولاً از نظر عاطفی با فراهم نمودن تأمین مالی و اجتماعی، خشنودی و رضایت خاطر را نیز به همراه می‌آورد.

بارتلی نیز فرضیه "اعتلای نقش"^۳ (۱۹۹۲) را چه در مورد زنان و چه در مورد مردان سبب مشارکت فرد در فعالیت‌های ارزشمند اجتماعی و ارتقای وضع سلامت او می‌داند.

زیبر (۱۹۷۴) نیز بر منافع حاصل از تکثر نقش‌ها تأکید می‌کند و نتایجی را که وی برای آن قایل می‌شود چنین شرح می‌دهد: مزیت یا امتیازات مرتبط با هر

-
- 1- Accomplishment
 - 2- Role expansion hypothesis
 - 3- Role enhancement hypothesis

نقش، امنیت منزلت یا پایگاه بدست آمده و در مجموع، فراهم آمدن امکاناتی در جهت بهبود پایگاه اجتماعی و بالأخره غنای شخصیت و ارضای خاطری که فرد از آن بهره مند می‌شود.

نظرات زیبر بر فرضیه تجمع نقش‌ها^۱ مبتنی است. بنابراین فرضیه، اشتغال بستگی‌های اجتماعی جدیدی خارج از حوزه خانه و ازدواج فرد فراهم می‌آورد که در جهت حمایت از فرد عمل می‌کنند. اشتغال در نظر زیبر برای زنان عزت نفس بیشتر نیز به همراه دارد و می‌تواند آنها را از پرداختن صرف به امور خانه‌داری که گاهی کسل‌کننده است و در نظر آنها ارج و قرب کمتری دارد، رهایی بخشد.

آربر (۱۹۹۰) معتقد است که اشتغال به کار زنان را می‌بایست هم به عنوان "نقشی دیگر" و هم به عنوان "متغیری ساختاری" در نظر گرفت. اشتغال به عنوان نقشی اضافه شده، می‌تواند متضمن تعهدات و مسئولیت‌های بیشتر باشد. اما از سوی دیگر، زنان با جایگاهی که در بازار کار احراز می‌کنند، پاداش می‌گیرند و این امر حاکمیت بیشتر آنها را . منابع مالی در پی دارد و به آنها این فرصت را اعطا می‌کند که بتوانند به نحو مثبتی بر شرایط زندگی خود و خانواده خود تأثیرگذار باشند. (آربر، ۱۹۹۰، ۴۱).

جدول ۲۲- الگوی تأثیر اشتغال و تحصیلات زنان در سرمایه اجتماعی

عوامل سرمایه اجتماعی	اشتغال و تحصیلات زنان	
اشتراک در شیوه احساس، اندیشه و عمل	تراکم جمعیت-تشدید ارتباطات-تبدیل تقسیم کار محول به تقسیم کار محقق-تبدیل همبستگی ارگانیک(تفاوت پذیری) به همبستگی مکانیک (تشابه پذیری)	دورکیم
عادت وارگی-الگوی کنشی همسو و هماهنگ	مهارت فکری-اعتماد اجتماعی و آشنایی با افراد باخصوصیات مشابه	بوردیو
عاملیت و آگاهی فرهنگی	فرهنگ و شخصیت درونی در نظام کنشگر	جفری الکساندر
بر قراری روابط اجتماعی مطلوب و رضایت بخش	ارتقای عزت نفس-احساس پیشرفت-سلامت	ناتانسون
بسط و تکرر نقش‌ها	ارتقای عزت نفس-کسب وجهه- منزلت-پاداش - درآمد	دورشتاین
حمایت اجتماعی-خشنودی	آشنایی با همکاران شغلی و تحصیلی و روسا	فولر و همکارانش
اعتلای نقش و ارتقای وضع سلامت فرد	فعالیت ارزشمند اجتماعی	بارتلی
تکثر و تجمع نقش-مزیت اجتماعی - غنای شخصیت	امنیت منزلت-بهبود پایگاه اجتماعی	زیبر
تعهد و مسئولیت فردی زنان-تأثیر مثبت بر شرایط زندگی خود و خانواده	نقش دیگر زنان-متغیر ساختاری-پاداش-حاکمیت بر منابع مال	آربر

نتیجه گیری

عادت‌واره‌ها، میدان‌ها یا فضاهایی که افراد در آن رشد می‌کنند، سرمایه‌های متفاوتی را تولید می‌کنند. هر انسانی بر اساس عادت‌واره‌اش و سرمایه‌هایی که در اختیار دارد، فضاهای اطراف خود را می‌سازد. بنابراین، انسان‌ها فضاهای متفاوتی چون فضاهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارند. ولی فضای فرهنگی بیشترین تأثیر را بر روی چگونگی شخصیت و سرمایه‌های فرهنگی انسان دارد. این فضا است که به ما اجازه می‌دهد برداشت‌ها، نگرش‌ها و موضع‌گیری‌های خود را در قبال مسایل مختلف شکل داده و بسازیم.

در این زمان‌های فرهنگی به روایت "لوفور" یا فضای فرهنگی به روایت "بوردیو" است که انسان پرورش یافته، رشد کرده و شخصیتش ساخته می‌شود.

در سطح میانی و کلان این‌طور به نظر می‌رسد، میزان مشارکت زنان با مشخصات محیط و وضعیت خاص اجتماعی شدن رابطه دارد و در سطح خرد به نظر می‌رسد این میزان با ورودی‌های حاصل از فرایند اجتماعی شدن آنان از جمله پایگاه اجتماعی، نوع احساس از محیط هنجاری، پنداشت‌ها، ارزش‌ها، نگرش‌ها، هویت اجتماعی، رشد نظام شخصیتی و میزان آمادگی آنان برای عمل، رابطه دارد.

در این مورد زنانی که در فرایند اجتماعی شدن پایگاه اجتماعی بالاتری کسب می‌کنند، پنداشت عام‌تری از ارزش‌ها دارند و از هویت جمعی عام و نظام شخصیتی رشد یافته‌تر و از میزان آمادگی بیشتری برای عمل برخوردارند و سهم بیشتری در افزایش سرمایه اجتماعی خواهند داشت.

تحصیلات سبب بالا رفتن موقعیت قدرتی و تصمیم‌گیری بیشتر زنان در خانواده و اجتماع، کاهش سنت‌گرایی و خرافات، افزایش اعتماد به نفس و بالأخره بالا رفتن

پایگاه اجتماعی زنان شده و چون محور جامعه‌پذیری اطفال در خانواده زنان محسوب می‌شوند، عامل اصلی شکل‌گیری سرمایه اجتماعی نیز به حساب می‌آیند.

اقتصاد کشور در حال حاضر فقط توانسته زنان شاغل دارای تحصیلات بالاتر را در خود جای دهد. اما مردان چون سرپرست و نان‌آور خانواده هستند، نیاز بیشتری به اشتغال دارند و علی‌رغم تحصیلات کم‌تر توانسته‌اند بیشتر به مشاغل دولتی مشمول و غیر مشمول قوانین استخدام کشوری، دست یابند. در حالی که زنان در بخش خدماتی، کشاورزی و کارهای فامیلی بدون مزد، تعدادشان نسبت به مردان بیشتر است. در فعالیت‌های سیاسی نیز علی‌رغم افزایش نرخ رشد اعضای زنان برای شرکت در مجلس و شوراهای، تعداد آنان نسبت به مردان بسیار ناچیز بوده است.

این امر به وضوح نشان‌دهنده فرهنگ خاص جامعه است که اشتغال مردان را در الویت قرار می‌دهد. فرهنگ جامعه ایجاب می‌کند که فرصت‌های شغلی ابتدا در اختیار مردان قرار گیرد.

در جامعه ایران همچون بسیاری دیگر از کشورهای در حال توسعه، پذیرش نقش مثبت و ارزشیابی واقعی اشتغال زنان مستلزم تغییر در نظام ارزشی و فرهنگی است. از آن جا که تغییر هنجارها و ارزش‌ها در نظام فرهنگی در جامعه به کندی و در طول زمان اتفاق می‌افتد انتظار می‌رود که تنها در بلند مدت و در نتیجه آگاهی دادن به تک تک افراد جامعه از زن و مرد، پیر و جوان نقش و اهمیت اشتغال زنان درک شود.

تقسیم جنسیتی نقش‌ها در دنیا و در ایران تاکنون به شیوه‌ای بوده که سبب محدود شدن فعالیت‌های اجتماعی زنان در مقایسه با مردان شده است، اما از آنجا که زنان خود نیز به عنوان اعضای جامعه از عرف پیروی می‌کنند این محدودیت‌ها را امری بدیهی و عادی می‌دانند.

سرمایه‌گذاری در حوزه آموزش و تحصیلات زنان هنگامی مؤثر است که زنان بتوانند پس از اتمام تحصیل وارد بازار کار شوند و در پست‌هایی شاغل شوند که مرتبط با رشته تحصیلی‌شان باشد، تا متولی امور اجتماعی باشند نه تنها مجری. فعالیت اقتصادی زنان منجر به استقلال اقتصادی و بالا رفتن تصمیم‌گیری آنان در امور خانه، فرزندان و امور اجتماعی شده و از عوامل مؤثر بر سلامت زنان محسوب می‌شود.

منابع:

- ۱- بهزادپور (۱۳۷۴)، نقش زن در توسعه علم و تکنولوژی، در "زن، علم، صنعت و توسعه" (مجموعه مقالات کنگره نقش زن در علم، صنعت و توسعه) دفتر امور زنان در نهاد ریاست جمهوری، تهران
- ۲- پاتنام، رابرت (۱۳۸۰)، دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه دل‌افروز، تهران، وزارت کشور
- ۳- پاتنام، رابرت (۱۳۸۴)، جامعه برخوردار- سرمایه اجتماعی و زندگی عمومی، مجموعه مقالات سرمایه اجتماعی، تهران، شیرازه
- ۴- تاجبخش، کیان (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه خاکباز و پویان، تهران، شیرازه
- ۵- ترکمانی، حسینعلی (۱۳۷۴)، اشتغال زن در غرب و ایران، "زن، علم، صنعت و توسعه" (مجموعه مقالات کنگره نقش زن در علم، صنعت و توسعه)، دفتر امور زنان در نهاد ریاست جمهوری، تهران
- ۶- صباغیان، زهرا (۱۳۷۴)، بررسی نقش زنان ایرانی در تعلیم و تربیت نیروی انسانی جامعه، "زن، علم، صنعت و توسعه" (مجموعه مقالات کنگره نقش زن در علم، صنعت و توسعه)، دفتر امور زنان در نهاد ریاست جمهوری، تهران

- ۷- صابر، فیروزه (۱۳۷۴)، بررسی نقش زنان در اهداف و سیاست‌های آموزش برنامه توسعه کشور، "زن، علم، صنعت و توسعه" (مجموعه مقالات کنگره نقش زن در علم، صنعت و توسعه)، دفتر امور زنان در نهاد ریاست جمهوری، تهران
- ۸- صمد، هادی (۱۳۷۴)، ایجاد انگیزه فرهنگ علمی در زنان کشور، "زن، علم، صنعت و توسعه" (مجموعه مقالات کنگره نقش زن در علم، صنعت و توسعه)، دفتر امور زنان در نهاد ریاست جمهوری، تهران
- ۹- علالدینی، پویا - رضوی، محمدرضا (۱۳۸۳)، وضعیت مشارکت و اشتغال زنان در ایران، فصلنامه رفاه اجتماعی - سال سوم، شماره ۱۲، صص ۱۵۶-۱۳۱
- ۱۰- محمدی، اکرم (۱۳۷۴)، عوامل مؤثر در عدم حضور فعال زنان در قانونگذاری، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اجرایی، "زن، علم، صنعت و توسعه" (مجموعه مقالات کنگره نقش زن در علم، صنعت و توسعه)، دفتر امور زنان در نهاد ریاست جمهوری، تهران
- ۱۱- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰)، عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ. ظهور شبکه‌ای، ترجمه علیقلیان و خاکباز، تهران، طرح نو
- ۱۲- محمدی‌اصل، عباس (۱۳۸۳)، موانع مشارکت سیاسی زنان در ایران، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال سوم، شماره ۱۲، بهار ۱۳۸۳، صص ۹۳-۱۲۵
- ۱۳- مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور (۵ جلد نشریه مربوط به سال‌های ۱۳۶۵، ۱۳۷۰، ۱۳۷۵، ۱۳۸۳)
- ۱۴- مرکز آمار ایران، آمارگیری از ویژگی‌های اشتغال و بیکاری خانوار (۲ جلد نشریه مربوط به سالهای ۱۳۸۳ و ۱۳۸۰)
- ۱۵- مرکز آمار ایران، نتایج آمارگیری از نیروی کار، ۱۳۸۴
- ۱۶- مسنن مظفری، پروین (۱۳۷۴)، زن در توسعه یا فرایند مؤثرسازی، "زن، علم، صنعت و توسعه" (مجموعه مقالات کنگره نقش زن در علم، صنعت و توسعه)، دفتر امور زنان در نهاد ریاست جمهوری، تهران
- ۱۷- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی، مجموعه مقالات سرمایه اجتماعی، تهران، شیرازه

- 18- Arber, S .1990."Opening the Black Box: Inequalities in women's Health".pp.37-56.In:p.Abbot and G.payne(eds.)New Directions in the sociology of Health . Falmer Press. Brighton.
- 19- Bartley, M., Popay, J., plewis, I.) 1992."Domestic condition, paid employment, and women's experience of ill-health." Sociology of health and Illness 14(3):313-343.
- 20- Bourdieu, p. (1987). Distinction: A social Critique of the Judgment of Taste, Nice.
- 21- Bourdieu, p. (1988). Practical Reason: on the theory of action, Johnson.
- 22- Bourdieu, P. (1990), the state Nobility, Elite School in the Field of power.
- 23- Bourdieu, P. (1986), the forms of capital, in J. Richardson (Ed) Handbook of theory and Research for sociology of Education, N. Y. Greenwood presses.
- 24- Brookfield, c. (1983). Professional Ethics and morals Greenwood.
- 25- Coleman, J. (1990). Equality and Achievement in Education, West view press.
- 26- Dennerstein, L. (1995)."Mental health. Work and Gender." International journal of Health services. 25(3):503-9.
- 27- Fuller, T.D.,Edwards,J. N. , sermsris. , and vorakitphokatorn , S.1993."Jender and health: some Asian evidence. "Journal of health and social behavior". 34 (9):252-71.
- 28- Giddens, A. (1998) the third way: the Renewal of social Democracy, London, Profile press.
- 29- Giddens, A (1992), the Transformation of intimacy Cambridge polity press.
- 30- Habermas, J. (1970), Communication and the Evolution of society, Mc Carthy,Boston: Beacon press.
- 31- Nathanson, C.A. (1980). "Social roles and health status among women: the significance of employment. "Social science and Medicine 14A: 463-71.
- 32- Offe, Clausand Fuchs, Susanne (2002)." A decline of social capital? The German Case". Published in putnam Robert D, (2002). Democracy in flux: The Evolution of social capital in Contemporary society, New York: Oxford University press.